

ازین خبر قرین مسترت و شاد کامی گشت به سپهسالار اعظم امر و مقرر شد که  
 در جواب عرایض ایشان از لطافت بی پایان خسروانی شرحی مندرج در  
 که مایه امید واری و دلگرمی در زندگنداری باشد سپهسالار مرخص شد و حضرت  
 شاهنشاه دستخط مستعد و بافقار وزیر مالیه اعظم و وزیر امور خارجه در نظام  
 و اشراق امور مملکتی و ملتی صادر فرموده بامین الملک سپردند که با چار  
 مخصوص روانه دارد و خود تشریف فرمای حرمخانه مبارکه شب یکم عصر  
 بیرون تشریف آورده بعد از صرف عصرانه و ادا ای نماز ظهر و عصر قورق فرمودند  
 درین شب چون شب عید مولود مسعود همایون بود اسباب آتش بازی  
 اعظم از ایرانی و فرنگی در میدان خارج باغ فراهم آورده بودند حضرت شاهنشاه  
 دو ساعت از شب رفته باغ دیوانخانه تشریف آورده در بالانخانه که فرش  
 بیدان بودند نشسته متصدیان امر آتش بازی از قبیل آقا یوسف نایب سراید  
 که هم درین کار مهارتی تام دارد با سایر قوتخانهچیان و خدام مشغول آتش بازی  
 و شلیک شدند و پس از اتمام مغنیان خاص از نعمات تار و طنبور و روج و  
 سرور بخاطر گذرد و تا ساعت چهار هر یک درین خود نهایت مهارت را بجا  
 آوردند

وزیر علوم  
 و سردار کل  
 خ

و بعد انعام معتر شند و حضرت شاهنشاهی بحرمانه خسروانه توجه طوکان از آنجا  
دشمن شد

پانزدهم ششم شهر صفر و چهارم توقف در دو کوه مبارک که در کوه مبارک  
درین روز که روز عید مولود پادشاهی بود و در قلوب و خاطر شادمانی سرور  
نا محدود جای داشت سرکار شاه فیروز بخت سه ساعت از روز برآمد  
بر بخت کامرانی و جابو سس فرموده در ایوان سر پرده مبارک فرستای زرتار  
دیبا و صبر یکستار نیدند و صلاهی بار خالص و عام دادند و زرا و اعیان و سرکردگان  
و مقربان و صاحب منصبان ذی شان از عراقی و خراسانی و سیستانی و مازندرانی  
و افغان و غیره در حضور مبارک صف زدند سپه سالاران عظیم در ابتدا  
صفوف بایستاد و دیگران هر یک به بفرخورشان بقامی که در خور ایشان بود  
قیام نمودند و چون حاجی آقا اسمعیل مشیخته است باشی سلام پدرا این نیت درگاه  
شاهنشاهی درین سفر بجهت ضعف مزاج از الترام زکاب بمایونی محروم بود و در  
نیابت این غلام قلیان مرصع به پیشگاه بخت اعلیٰ کعبه است و سلام انعتاد و نیت  
امین الدوله مخاطب فرمایشات علیه بودند و حضرت شاهنشاهی از کوه مبارک

نیشابور و قصد آبادی و هموری صفحات خراسان و رفاه رعیت و امنیت آستان  
فرمایشات ملوکانه میفرمودند

خطیب خطبه غزایا بسم مبارک حضرت ختمی مآبلی صلی الله علیه و آله و وصی برحق و اولاد

و آل آنحضرت و شایسته و ممالک ایران نشانموده سلام میان رحمت انصاف

یا فشد و پس از انجام سلام قاضی و علمای نیشابور بعضی حضور استعدادهای

مموده مورد عواطف و الطاف شایسته گشته نواب ملک منصوبین

بنابر رسم همه ساله با عطای کبیله و شاک کشمیری و یک ثوب قبای زری علی

سرافراز و معطر گشت امیر سینهان اینجانی اسی در نهایت رعنا و زین

که از هر جهت بحال اعتبار داشت پیشگاه حضور مظهر مبارک گذرانیده در نظر

ملاحظت اثر پسندیده و مقبول افتاد و اینحضرت شهر یاری بقیه روز را بمطالع

کتاب و صحبت با خواص در بار گردون اساس گذرانیدند

روز هفتم شهر صفر و پنجم توقف در مبارک در نیشابور

هنگام صبح سپسالار اعظم و اعتضاد الدوله و امین المملکت و میرزا انصاری

ستونی بحضور مبارک احضار شده مقرر گشت که در چادر دارالشورای کبری

مجمع کشته بحساب میرزا مسیح پیشکار مملکت نازدندان غوررسی نموده حقیقت آنرا  
بعضی برسانند سردار تاج محمد خان و محمد علی خان شکرکی و کهن دلخان  
بخصوص بابیر النور مشرف شده و از نفقات طوکاره امیر و دار و بجهت یاب شده  
و چون امروز تفرج شهر و سیاحت اطراف منظور نظر خسروانی بود از عمارت  
مبارک که پروان آمده با وزیر درباری و سایر خدام حضرت شهبازی همیشه  
توجه فرمودند و اوالات شریف فرامی مسجد علی گرنجی که مسجد عالی میان در آن  
زمان قدیم است شده علماء و اجله بلد که اسامی ایشان بدین ترتیب است  
تشریف وجود مبارک در مسجد پذیره کشید جناب ملا اسحاق  
حاجی ملا ابوالقاسم امام جمعه میرزا ابوالقاسم قاضی ملا شمس  
حاجی ملا حسین شمس العلماء شیخ عبدالغفور ملا روح الامین شیخ الاسلام  
ملا عبده حسین ملا محمد رضا ملا موسی ملا محمد باقر ملا آقا بابا می طیب  
ملا غلام رضای شیناز آقا سید جمعیل مختارند حاجی ملا محمد تقی و اعطاء  
آقا سید جمعیل شیناز سرکار اقدس شهبازی بعد از اظفار ملا شفقت و مهربانی  
بسیار بعباد و حکم تعمیر مسجد و مراقبت در عمل موقوفات آن و محافظت در حق

آورد و چهار قوی اجنه کهن که علامت قدمت مسجد است بیازار شهر شریف  
آورده از چهار سوق و بعضی محلات بخارج قلعه که شمشاد و بقعه تفرج قرینه  
خوشنجان که قببه معموره و در نهایت خوش هوا و باصفاست توجّه فرمود  
بعد از طی کفر سنگ نیم بقبه مزبوره وارد شد مسجد رعیتی آن قرینه که  
از بناهای مروج منغلی میراست و خیابانها و درختان چهار بسیار کهن  
و باغات و اشجار و انهار قرینه بنظر مبارک رسیده و از آنجا که شته در قرا  
پوچ آباد و حصار که هوای آنها در نهایت یلایقت وارد عبور فرموده  
دره که شتمن بر رود آب و چشمه سارهای جاری و درختان و باغات بو  
پیاده شدند و اندکی از میوه جات آن باغات خاصه کیلاس که کوبه و غیره  
که کمال امتیاز داشت تناول فرموده زیارت و بداعت و صفای هوا  
دره زیاده از حد و صف در نظر انور جلوه گر آمده بسنگام عصر در آن جایگاه  
بماندند شکار چیان خراسانی یکراس سیش کوهی صید کرده بجنور آورده  
سور و انعام و احسان گشته معروض داشتند که در قتل این جناب شکار فوج و  
بسیار است ولیکن سرکار شاهنشاه بواسطه بعد از امین بصید انگنی نظر نمود

و محقق را مقرر داشت که بخواند کتاب روضه الصفا و ذکر احوالات  
 ثامن ضامن علیه السلام خاطر مبارک را مشغول دارد با جمله آثار سافیرین  
 دره سدی است غریب که از آب و ریت ساخته شده عرضاً قریش ذرع  
 و ارتفاعاً تخمیناً پنجاه ذرع و ازین سد پیر که باقی است دو سمت رودخانه است  
 که ارتفاع و وسعت را نماید و پایه عظیم است که از سد در میان رودخانه افشاد  
 و معلوم میکند که بنای سد چه قدر سخت و محکم بوده از اینجا آشکار میشود  
 که این سد محکم که امروز در فغان باریک و آب میسازد و سخی آنهاست  
 سنگ صلب است در سوابق ایام نیز در مملکت ایران شایع بوده و برورد و  
 متروک گشته است خلاصه سه ساعت بغروب نده سرکار پادشاهی با  
 کبیر احمد خانی سوار شده بطرف منزل عطف عنان فرمودند درین راه <sup>شخصی</sup>  
 قوی جنبه و سیاه چرده دست علفی در دست گرفته بی محابا و متهورانه بطرف <sup>شانش</sup>  
 دویدن گرفت هر قدر فراتشان و سواران خوشتر شد او را ازین حرکت منع <sup>کنند</sup>  
 یا سبب دویدن معلوم سازند هیچ قسم حرفی نمیکفت و برین حسرت میفرود  
 تا عاقبت دستگیرش نمودند ولی چون مقصود و منظورش معلوم گشت بمقتضای

عطوفت و رافت خسروانه زمانی حاصل نمود قریب بقریه حصار میرزا ابوالفتح  
 قاضی که همه جا در رکاب بود و بعضی حضور مبارک رسانید که در جنب این قریه  
 دره و مغاره و چشمه آبی است که بنا بر معروف مکان معبد ابراهیم او هم  
 علیه الرحمه و قابل دیدن است خاطر سجا یونی باین تفریح امکان شد ولی چون  
 وقت کافی و مقتضی نبود ازین خیال منصرف گشته هنگام غروب از جنب  
 شهر گذشته منزل شرف نزول رزانی داشت  
 پیشابور یکی از شهرهای بسیار قدیم ایران است که قبل از بعثت حضرت رسالت  
 پناهی صلوات الله و سلامه علیه معمور و دایر بوده و بنا بر معروف از این شهر پور  
 و در آبادی این شهر و نواحی آن اغراقها گفته و میگویند از جمله آنکه دوازده هزار  
 فئات رو قبله داشته هر گاه دوازده هزار اغراق باشد البته دوسه هزار  
 نمیتوان انکار کرد زیرا که آثار اکثر آنها هنوز باقی است و در تعریف او همین قدر  
 کافی که مکرر او را ویران و باالیش را پراکنده ساخته اند و مجدد او قلیل زمانی با  
 و معمور و پر جمعیت شده و نیز یکی از صفات اوست که همواره مولد و موطن  
 قیض حکما و ادبا و عرفا بوده و خاکش تربیت اربابان ذوق و محبت نموده

اگر چه با تحقیق برسیه و بعد از آن تقریباً تمعینت و زیاده از دو هزار  
 خانوارندیم که در چهار محله آباد موسوم به سعیدشاه و خواجهدار  
 و مسکنک و محل علیا مسکونند مخلوق این بلد را بدینست زیاده  
 از امانی شهرمانی است که درین راه مشاهده شد و از جمله آثار آن چادریانی است  
 که در شهرمانی گذشته همه جا بطور ذماتان چادرشبی بیانی و اکثر  
 ایشان بی روی بند و حال آنکه زنهای نیشابور همه چون زنهای شهر  
 بزرگ چادر نیلی و روبند و چاقچور دارند و همچنین بازار و کاروانسرا و کافه  
 و حمام و چهار سوق آن مشابه شهرمانی بزرگ و آباد و از بهر نجات و سعادت  
 مخلوق این بلد اکثر حجره و صاحب امراض مزمنه مذکور حسب بنات و کمال  
 و وجاهتی ندارند نیشابور باغات بسیار است که در هر یک یکی چاه  
 مرتبه ساختند که در حقیقت مسکن صاحب باغ است و قیمت شکر قندی  
 کاروانسراست عالی که اصل آن از قندهار است و حاجی قاسم تاجر است  
 او را لباس نومی پوشانیده چنانکه گویا جدید لبیان است آب انار بزرگ  
 در حوالی آن است که تجار بجا داشت نمود و اندر حوالی شهر مقبره امیران و محققان



محروق و لاد حضرت علی بن حسین صلوات الله وسلامه علیه و آله و آله  
 ابراهیم اولاد حضرت امام موسی کاظم صلوات الله وسلامه علیه و مقبره عمر  
 و شیخ فریدالدین محمد عطاری است و هر یک در طرفی واقع و بقعه علامتی رفیع  
 دارند و وجه تسمیه محمد محروق آنست که آنحضرت را مخالفین دین مسیحین مذمومین  
 در مقبره مرحوم شیخ سنک سیاهی است محکوک که از قرار مشهور هفت ذرع طول  
 آنست ولی زیاده از یک ذرع و نیم آن از خاک پیرون نیست یکی از امر که در حفظ  
 ظاهر شرع جدی داشت وقتی مقبره مرحوم شیخ آمد نزد یگان و شیخ را بصورت  
 عیب شمرند امیر را غضب توی شده بضرب کلوه تفنگ گوشه از آن  
 بگشت در جبال نیشابور ریواس بسیار است و ریوندی که از ریشه آن حاصل میشود  
 گاه میتواند که بار ریوند پستی مقابل کند و نیز درین کوچه کل کور و سایر کلهای معتبر  
 روز سه شنبه ششم صفر شریف فرمانی اردوی همایونی  
 از نیشابور بقدمگاه

و شهید کردند  
 ۴

شاهنشاه حجاج بهنگام صبح که خورشید تابان بایوان سپهر خرامان شد از باغ  
 الهویر دینجان به پیرون خرامید و از اشعه نور جمال عدیم المثال پر تو افکن بست

جهان و دیده ناظران گردیدند و اینجانی شاد تو و زعفران و چنانکه ذکر است  
با سواران خویش سوگب مسعود را استقبال نمودند و نایش بود مگر ترس که با  
بودند تدارک و تیسار و وی کیوان پوی را از خاکپای همایون نصرت  
و انعطاف یافتند بمقر حکومت و او طاق خویش نمود و او در کابلیان  
این دولت و اعتماد است و در جنب کالسکه احضار فرموده و بفرست  
ملوکانه قرین افشار و اغراض ساحت و از جنب خندق شهر عبور نموده راه مشرق  
پیش گرفتند و در قرینه پوشه هزاران که آب و آن حضرت جان داشت  
بجای صراحتن هزاره و افراحتن آفتاب گردان فرمودند طهرین حفا و مهر  
چون اعتماد دولت و این الملک و این خاوت و حکیم باشی طهران و با  
مخصوص و دیگران خاطر مبارک را در حین نماز لطایف صحبت و خطر  
حکمت مشغول داشتند تا اینکه حضرت شاه شاه و دوباره بجای سکه رجوع  
و نجابت بغروب مازده قدسگاه را بقدم مبارک تاج افشار تبارک بنامند  
محقق و این بنده درگاه مشغول خواندن کتاب و زمانه جایوست  
و از آنجا که هوا و صفای این مکان بطبع خاطر حضرت انکشت بزرگان

مقرر شد که سه روز در آن سامان اطراق کنند

از نیشابور بقدمگاه خیمه سنگی که مسطح و مشرقی و معمور است و قراولان

در میان و بسیار جاوه از آن مقر است سمت راست جاوه ده <sup>لیکن</sup> <sup>سج</sup>

و وجه سمتینه این قریه معموره بدین اسم بدان سبب است که در زمان سیلف

چند خانوار از طایفه لکزیه فقشار کوچ داده و در آن مسکن متوطن ساختند

شاه آبا و ایضا سعد آبا و ملکی ملاموسی ابو سعید

ایضا عشرت آبا و ملکی شمس العلماء عباس آبا و آرزو

که محل سکنا می آید و اینجای ناموری است برج دولت آبا و

ملکی محمد ولینجان سردار معموری خالصه دیوان اعلی

سمت چپ جاوه تقی آبا و ایر و اینها خیر و ملکی مصطفی قلینجان

خروشید علیجان آوک دشت پوز مهران

پیش فروش محمد ولینجان سردار قدمگاه در دامن

کوهی واقع است که از نیشابور امتداد دارد الی مشرق مقصدش اصله <sup>یگان</sup>

عبارت از بقعه کوچکی است از انبیه سلاطین صفویه رحمه الله علیهم که کنس

غالی در دو تمام آنرا با کاشی مشرق بسیار عین نیست و در اندو در دیوار  
این بقعه تخت یک سیاه بنصب نموده اند که بر آن نقش پیر جامی کرده است  
و مردم آنرا جامی پامی مبارک حضرت امیر مومنان علیه السلام میگویند  
رضوی جلوات الله علیه میداند و از آنرا فزیرات آن مقدم مبارک آن  
تحصیل سعادت مینمایند و در سمت شرقی این بقعه چشمه است که پهل  
که از قرار مشهور بحضرت امام ثامن صلوات الله و سلامه علیه منسوب است و بنا  
بر معروف از زمین دست معجز اثر آنحضرت جاری شده است و عابری  
وزوار و قوافل از آب آن استفا حاصل می کنند و در منبع و مخرج چشمه  
چهار صدف مسقف بنا کرده اند که دو سه قدم پایین می رود در آنجا حوض کوچکی است  
که آبی در نهایت صاف و گوارا از حباب آن بیرون آمده داخل حوض گشته  
و از آنجا بیاباغ و صحرا می رود باغ قدما که متصل بقعه و کنسبت باغی است  
و وسیع مشتمل بر مراتب چند و حوضها و بجا اول و آبشارها که تمام آنرا با آجر کج  
بنا نموده اند و در حاشای قوی قدیم که من ناصه در حاشای بان مطلق خارج باغ  
که اگر چه اکثر اشجار آنرا بر و زایا کم کنند و بریده اند ولی هنوز بعضی درختان

کاج او باقی است که زیاده اینچ ذریع هشت ذرع قطر دارد و از از منتهی قد  
 نبر سید و چون دین آثار بزرگ از کتب باغ و خیابان خرابی بسیار  
 یافته بود سرکار بهایون شایسته ای تا که است بیع و تعمیر آن فرموده مقرر شد  
 که بزودی تمام آنرا تعمیر کنند در پائین باغ و اول خیابان کاروانسرای  
 بزرگ عالی زینبای صغویه باقی و دایره است و در مقابل آن در عصر شایسته  
 مسجد و چایخانه بنا کرده اند که عمارت فوقانی مختصر باروحی دارد قصبه  
 قدیمگاه بالای تپه واقع است و قریب پنجاه خانوار رحیت دارد که اکثر آن  
 سادات هستند از قدیمگاه بشهر مشهد مقدس دور راه است یکی در راه  
 که از میان دره ورود و کاستان و ترقیه میرود و راه سیلاق و سایه افرا  
 ولی عبور کالسه و عراده و سخت بواسطه گردنه و پست و بلندیمحالی که در او  
 امکان ندارد دیگری راه معمول طرق و دیر آباد است که بعد و کر سیر است  
 ولی چون راه آنرا ساخته اند و خاصه امسال سه سال از اعظم تعمیر نموده که  
 و عراده میتواند از او عبور نماید و معبر دانی قوافل و زوار است  
 روز چهارشنبه نهم شهر صفر توقف اردوی پادشاهی در قدیمگاه

نابین

شایسته گیتی بنیاد حلدت مکره و دولت درین روز بنجام صبح بقصد تفریح  
 سیاحت در رود رود توج فرمودند اعضا دولت و دیر الملک و امین الملک  
 و امین نقوت و میرزا نصر الله مستوفی و میرزا علی خان قاشی فائده حضور  
 و حاجی محمد حسن خان و علی خان کریمی مشیخت مترجم رکاب حضرت انتساب  
 شدند در او رود رود که حضرت شایسته بی از کاسک نیز آمده بر سب سوا  
 شدند محمد طاهر خان در رودی که از جمله بنجا و صاحبان قریه در رود و شجره  
 و کنت است با تمام رعایا بنجا کپای مبارک مشرف آمده از زیارت رکاب  
 میمنت اشباب مشهور و مبارکی گشت از میان دره در رود و خانه جارت  
 که زیاده از بیفت شک آب دارد سرکار جمایونی رشتت رود محل عبور قرار  
 بیالاروان شدند و بعد از طی اندک مسافتی قضائی با صفا و حضرت بی اتمه  
 بنظر مبارک جلوه گر آمده بجهت میل نماز زوال اجلال فرمودند و اعضا دولت  
 و دیر الملک و امین الملک و میرزا نصر الله مستوفی و میرزا امیر و میرزا نذران  
 بجهت اتمام محاسبات بکلیت بحضور مبارک حضور شده میرزا نصر الله کتایب  
 حساب را از لحاظ انور کذرا بنده و سایرین نیز اطلاعات خود را در آفتاب معروض

تا حساب جرح و تعدیل یافته و کتابچه بستی مبارک مزین آمد بعد از اتمام حساب  
 وزراء مختص شدند و حضرت شاهنشاه رویا لاتی دره تشریف فرما شدند  
 تا دو فرسنگت همه جا از کنار رود وزیر در شان پدید و فواکه پیش نهادی  
 که راه مشعب بدو شعبه میگردد یکی سجا قرق و شهر میرود و دیگری بدره که سمت  
 شمال واقع است و از آن نیرو و آبی جبریان دارد و آنحضرت بجایوفی ازین راه  
 اخیر گاه سواره و گاه پیاده نمودند فرمودند تا بیدستانهای دره تمام شد از دو  
 سه دخت آویس بزرگ پیدار گشت حضرت ظل اللهی در سایه آنها فرود آمدند  
 براحت مشغول شدند حبیب الله خان برادر میر شکار معروفی داشت که در سده کوه  
 مقابل شکار بسیار ملحوظ افتاده است حضرت شاهنشاه دو برین خواسته دو روز  
 قوچ و میش منظور نظر مبارک گشت و چون راه دور و سخت و صعب بود خود از شکار  
 فرمودن صرف نظر فرموده و حبیب الله خان را امر فرمودند که هر گاه بتواند  
 با شکار چیمان بالا رفته شکاری تفنگی نند پس از رفتن آنها چهار ساعت امتداد  
 که آوای تفنگی برخواست و حبیب الله خان لنگ لنگان مراجعت نموده و معلوم  
 شد که بواسطه صعوبت راه شواسته اند نزدیک شوند همین قدر از دور تیر می اندازند

وقتی چو از صدای تفتک وحشت کرده و از کوه سرزیرینند و از رودخانه  
 بکوه مغربی دره بدر ریشند بال خضره سرکار پادشاهی از خواب برخاستند  
 بغروب مانده تشریف فرمای روی کیوان پویی گردیدند و لدی آوردند  
 قیگاه مبارک اقامت نموده بجز محلی که در شب را چون در آن ایستاد  
 است بازی زیاد چیده بودند بعد از شام بیرون آمده ساعتی تماشا می نمودند  
 و ملاحظه عرائین نمودند و عدالت و صلاح را ملاحظه نمودند  
 عظیم امشب حضرت شاه و بشهر رفت و محمد رحیم خان میراث نامه از آن  
 ایشان گشت

**پنجشنبه دهم صفر المظفر و سوم توقف دومی بپولی و قیگاه**  
 از آنجا که دره در رود در روز قبل با تمام طبع و مشهود نظر آنرا نگاه داشتند  
 کتب بنور مظهر از دور منظور خاطر بجا یون بود امر وزیر در اول صبح آنجا  
 سواری فرمودند دو ساعت از روز برآمده اعضا و اعضاء دولت و ملک منصور  
 و تیمور میرزا و امین خلوت و سایر مقرران خاص و غلامان و سکا چیان در کنار  
 مبارک ملثم گشته سمیت در رود تشریف فرما شدند و چون بدواب رسیدند



دره سمت چپ را که دیروز مسیر مویکب سعادت قرین بود از پی گذشته  
 و از دره دیگر که راه مشیهد مقدس است پی بپوشیده تا پای کوه رسید و اگر  
 بیالایه در قلعه کوه خارج از جاده نزول برل فرمودند و آن مقصود کلی که  
 زیارت کنسبد مطهر بود فیض یاب گشته و شکر این نعمت در حضرت خداوند  
 بجای آورده در کمال فسح و سرور با وجد و شعف موفق بر صرف نهادن  
 مشغول گشته و مصطفی قلینان امیر شکار ما موریا فاشن شکار شد خود سه کار  
 پادشاهی تیرس از اندک زمانی با معدود قلیلی از تفنگداران خاصه چون آقا  
 کشی خان و قهرمان خان و غیره سمیتی که میر شکار رفته بود توجه فرمودند و چون  
 نزدیک شدند مصطفی قلینان با اشاره از یافاشن بگه گشته قوچ و میش شبارت داد  
 ولی این جانوران وحشی محض فراست فطری که مخصوص بدانها است بجهش ننگ  
 شمیم نسیم اجل بشام ایشان رسید با اصطلاح اهل شکار با دبرداشته و از چرخگان  
 خویش با سرعتی از اندازه بیش فرار اختیار کردند با اینحال مجال نیامده دو تایی  
 ایشان در دست نبی پاک و سایر شکار چیان که در دامنه کوه بوذکر قرار گشته  
 و بره قوچ دیگر بدست قراچاد نشینان بالامی کوه دستگیر آمده هر سه را بخصوبه ک

آورده انعام شایان گزشتند و سرکار پادشاهی همه جا از سر کوه تفرج کنان  
 مراجعت فرموده مجدداً داخل دره شدند در آن سمت دره چوپانان در رود  
 که ذکور او انا تا هر یک سببی و ظرفی از میوه های ممتاز دره و ماست و کشکاب  
 در دست گرفته در معبرهای یونی استاده بودند از زیارت تعقل سمند خسته و  
 بهره مند گشته و دعای وجود مبارک گفته شاه کیتی پلنگ بچس خلق و رعیت  
 پروری که مخصوص وجود مبارک است با هر یک اظهار محبت فرموده و از  
 انعام بسیار دادند و در چمن زاری که نزدیک در رود بود فرود آمده نماز بگذارد  
 و اندکی میوه جات میل فرموده بکالک نشسته تمیصاعت بفروغ تازه بمنزل  
 مراجعت فرمودند ولی بک شکارچی که آبونی صید نموده بجنوب آورده  
 معروض داشت که در قلعه حقیقی این کوه شکار بسیار است ولی بواسطه سختی  
 وصول بدیشان در نهایت دشواری نماید شب بعد از شام قورق شکست  
 اجود انباشی و حاجب الدوله بجنور مبارک اعصار گشته و در نظم و تسبیح آرد  
 تاکیدات بلوغ و فرمایشات حسنه بدیشان مقرر گشت تا اگر کسی با کسی نزاع کند  
 و مشنه جوی نماید یا بوقت آتش بازی با تفنگ بیرون کند فوراً برود و مواظبت

و پیش آنکه در نهایت سیاست و تدابیر میکنند .  
 کردند در رود شهابت کلی بگردند و کوه البرز دارد و کوهها  
 آن مانند کوههای شکر آب البرز است و حتی گل و گیاهی که در آن نشوونمایند  
 چون کلهها و نباتات آن کوه عظیم است در اشعای این گردند که سمت جافع  
 سراسیم میشود بلکه شهر مشهد و خود شهر و آبادیهای گلستان و جافع و شانند  
 حتی خیال کلات آشکار و پدید است و در آن سمت گردند کاروانسرای سنگی  
 کوچکی است که اطراف و نواحی آن در کمال خضارت و نزاهت و بداعت  
 است در ایام تابستان عبور از این راه بمرتب شریف آباد ترجیح دارد  
 روز جمعه یازدهم شمس صفر شریف فرمانی مرکب  
 نصرت اثر شاهنشاهی بمنزل دیر آباد  
 درین روز هنگام صبح برسم معهود صلاهی کوچ دادند و مرکب مسعودتند  
 حرکت شد و برای منظم رکاب و عساکر نصرت تاب در مقابل دیوانخانه بنام  
 صف زده بایستادند تا علیحضرت شاهنشاهی شریف آورده بکالسکه مرکب  
 نشستند و امواج افواج سواره و پیاده روی براه نهادند این لاله و غیره

دو نیز ملک در کنار کاشیها که مخالف بفریشتان علیهم السلام شد تا سه فرسنگ از او  
طی شد و نهر آن مخالف و کوه از پدید گشت که از سمت مشرق جریان داشت  
اینحضرت شاهنشاه را کنیزها از آب بطبوع ضعیف مبارک گشت تا از کارسکه مبارک  
بزیاده بزیب نشسته و مسافتی خارج باد و از برای صرف نهار فرود آمدند  
و چون از صرف غذا فراغت حاصل شد مجدداً کارسکه به جمع فرمودند و از کارسکه  
و پشه ماهور راه عبور فرموده بکلکه رسید و پنج ساعت بفرود آمد و بمنزل شهر  
ورود از زانی و شش شب بعد از شام با حضاراً اعتضاد الدوله و دیرالملک  
اشارت رفت جنابان معظم الیهما بنجا کپای میمایون مشرف شده و تا پنج ساعت  
رفته خلاصه عرایض میرزا مسیح وزیر یازده روزه از لحاظ نظر انور میمایون گذرانند  
احکامات لازم در آفتاب شرف صد دریافت و چون سمت چپ پهلوی  
مبارک را اندک دردی عارض شده بود این بنده با اشاره حکیمباشی طلزان  
با دمان مرصیه اندک تدبیر نمود و شاهنشاه با آرامگاه خرامیدند هوای امروز  
چون عالی از حدت حرارت نبود فی الجمله اسباب زحمت و کمالت و جو  
مبارک شده بود و بحمد الله تعالی درین شب بصحت و راحت مبدل گشت

محمد حسن خان تفنگدار خاصه در محمد علی خان پیشخدمت خاصه که در قدسگاه  
 به تب طبقه مبتلا شده بود بر حسب امر پادشاه او را بر تخت نشانده بدین منزل  
 کوچ داده و با طبایعی طبرم رکاب امیسه که مساعی جمیله و اهتمام کامل  
 در علاج او مرعی دارند حاجی سلیمان خان حاکم که بمجا حسن خدمتگذاری  
 خاصه خطیر بیایونی را قرین مسرت داشته بود درین منزل که آخر خاک نشان بود  
 بشمول عواطف ملوکانه و اعطای یکتوب جنبه تریه کشمیری حاشیه در ممتنا  
 قرین مسائلات و امتیاز آمد

از قدسگاه الی دیر آباد چهار فرسنگ است و راه جنوبی الی مشرق کوه در رود  
 و قدسگاه تا مسافتی از سمت شرقی همراهی دارد و پس از آن تمام راه جلگه میشود  
 و در او کوه و کتلی نیست و چون از خط تقسیم خارج و سمت تربت واقع است  
 از راه در رود بفرسنگها دور تر است آب رودخانه که این منزل بآن  
 مشروب است اول آن است که بحسب سبکی و سلامت و خوشی و عذوبت  
 در تمامی مملکت خراسان شهرت یافته در مجاری این آب گاه گاه سنگ  
 یا قوت یافته اند ولی سنگ درشت مرغوب پیدا کرده اند و محتمل است که هر گاه

ابتدای این معدن را میبند ازین سنگ منافع زیاد توانند حاصل نمود  
و بات واقعه است بدیویجات دولت آباد و سحر آباد  
حسین آباد کلاته و شیر جهان آباد و فخر آباد  
احمد آباد و میرا باد سفلی این قرا تمام آباد و معمور و خرد  
نیشابورند و درین قریه اخیر چمن زار و مرغی نیکو است و بسیار درین  
غربی باین جنوب سه قریه از مجال تربت بمسافت سه چهار فرسنگ نمایانست  
که عبارت از برس و بلوهر و کدکن باشد و بات واقعه است  
چرا و ازین قرا است سخت و در نقیشتن سوشان  
و امن کریمین کرده چناران و میرا باد علیا  
و و از دهم شهر شریف فرمالی اردوی همان  
بشرف آباد

درین روز دو ساعت از طوع آفتاب برآمده که کوه جلال بفرز و متعال  
باشوکت و اقبال تمام سمت شریف آباد پی کشت شده امین الدوله  
حاجی سلیمانخان قاجار و اول سواری مورد فرمایشات و او امر ملوکانه

بودند تا قرینه فخر دادند که منظر نگاه زوار و قوافل است یکفرسنگ و نیم  
 از قریب کنشته در دامنه کوه در رود که سمت شمال جاوه بود جلگه نیکو منظر  
 مبارک گشته بآب سمنزدن کمانی عظیم شمشیری سپهسالار که یکی از اسبها  
 ممتاز بی مانند است سوار شده ساعتی با این خلوت بیاز می نیزه و تاشن  
 اسب مشغول گشته سواران و پرولان ازین جلگه می و چابکی و قوت و قدرت  
 و مهارت حضرت شایسته بی در حیرت و تعجب نازد و تیرانه توصیف و تعریف  
 و دعای ذات و الاصفات بجایونی مترجم گشته و شایسته عالم نیا  
 در سمت شمال در دره پوه زن در کنار فسات و بیستانی که در زمان  
 با روح و صفای بود بخار فرود آمدند مهد نقلی خان غلام کچه باشی بره ابوی  
 صید کرده بجنور معولت دستور آورده و بانعام ملوکانه کامیاب کرد  
 و اعلیحضرت پادشاهی از راه پوه زن غار منترل شده بد چون از کتلن بود  
 گذشتیم در پای کتل ایلات تیموری مشهد که در پای کتل مسکن دارند بر رسم اعلیت  
 دعای وجود مبارک گفته و ظروف دوغ و کره تقدیم کردند سرکار بجایونی  
 محض رعیت پروری جرعه شاول فرموده و با حاد و افراد ایشان بذل

انعام و احسان نمودند و با حاجب الدوله و امین خلوت صحبت کنان از کنایه  
 قرینه ده سرخ گذشته دو ساعت و نیم بغروب نازد بشریف آمد که مخمخ تمام  
 بجایونی بود تشریف و رود از زانی داشت درین وقت چایار و انخلاد و پسته  
 عرائض و زیر بالیه اعظم و سایر وزراء و امیران خور را بعضی مسکا و جنور با به انور  
 تابع نمود از جمله وقت یعنی که امیران خور بعضی حضور مبارک رسانده بودند آن بود  
 که در چند مصدق اول تابستان بود بر فی شده آمده و تا قرینه درین شب  
 فراگرفته و نیز تکرکی موفود در دست و در انخلاد آمده و با غلب زراعات  
 کلی وارد آورده و امیران با تعبیب شده تا کنون بهم نوبه که درین فصل  
 شده بسیار و بالاضرف حضرت شامشاهی بعضی از عرائض جواب حضرت  
 و چون وقت کافی نبود صد و جواب بقیه را بر روز آینه دل گشته بحرمان  
 مبارک تشریف بردند شب بعد از شام قورق شکست خواندن چاکران بدین  
 معنیت میان آمدند و در پاره مقابل باغ سرکاری آقا یوسف نایب سرور  
 و دیگران با تشبازی ایرانی و فرنگی مشغول شدند پنج از شب رفته شامشاه  
 حجاجه بارامگاه تشریف بردند



از ویز آباد الی شریف آباد چهار فرسنگ است راه مایل بمشرق شمالی است  
 یکفرسنگ نیم که از شریف آباد میگذرد قلعه فخر و او است و او قلعه است  
 محکم که قریب صد خانوار رعیت دارد و در کنار قلعه کاروان سرائی است از آن  
 سقف که زوار و قوافل از قریب گاه بدانجا آیند و شب توقف نمایند الی این قلعه  
 اناناه و کوزا بدیع اجمال و خوشتران نام و زراعت ایشان اغلب دیمی  
 و محتاج بآب نیست

قصبه سیوه زن در میان دره طله لانی پر آب و اشجار و وقوع است و قریب  
 پانصد خانوار رعیت دارد و متعلق است بحاجی مصطفی قلی پسر دربان باسی حضرت  
 هینس آثار و او را مسجدی است که با چوب سنگ ساخته شده از رودخانه بارق  
 پائزده ذریع واقع و از دو سمت آن دو چشمه جاری است از سقف میان تاساق  
 بنیاد آن بشاخهای سبز و نباتات الوان طراحی شده خرابوان و مقصود  
 از خاک و سنگ جانی نمودار نیست بی شک اگر ملی عنود و مشرک جهود را  
 این خانه شهود شدی بجز و عیان بی حاجت تاجت و بیان اسرار و حدت و  
 آثار قدرت رامبرین و مجل دیدی یکفرسنگ از سیوه زن گذشته بی